

پیشگیری اجتماعی از جرم

در قانون برنامه پنجم توسعه*

- عبدالرضا اصغری^۱
- علی سرمدی واله^۲

چکیده

شکل‌گیری فرهنگ پیشگیری از جرم در سطح جامعه در دو دهه گذشته، موجب شده است تا قانون‌گذار نیز در کنار جرم‌انگاری و کیفرگذاری در قوانین مختلف، همواره ماده یا موادی را به پیشگیری از جرم اختصاص دهد. در همین راستا، برنامه پنجم توسعه که تعیین‌کننده خط مشی حرکت جامعه به سوی توسعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی است، با استفاده از راهکارهای پیشگیرانه تلاش کرده است با هدف کاهش زمینه‌ها و شرایط وقوع جرم و نیز پیش‌بینی تدابیری جهت عدم تکرار جرم، جهت‌گیری متفاوتی را نسبت به قوانین پایین‌دستی داشته باشد و به عبارت دیگر، رویکرد کنشی را مقدم بر واکنش هیئت حاکم قرار دهد. در این نوع نگرش، با تأکید بر نقش آموزش اعضای جامعه از طریق رسانه که مهم‌ترین

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۵.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (asghari@razavi.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (alisarmadivaleh@gmail.com).

عامل تأثیر گذار در رفتار حقوقی جامعه به شمار می‌رود، توجهی جدی به کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی شده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، پیشگیری اجتماعی، توسعه، برنامه پنجم.

مقدمه

تا کنون از مجموع پاسخ‌هایی که سیاست‌گذاران جنایی ایران در قبال جرایم داشته‌اند، سهم اقدامات و پاسخ‌های پیشگیرانه و غیر سرکوبگر، به ویژه پاسخ‌های پیشگیرانه اجتماعی، در مقایسه با پاسخ‌های کیفری و سرکوبگر بسیار اندک و ناچیز بوده است. این در حالی است که «برای مبارزه با بزهکاری باید به سراغ زمینه‌ها و خاستگاه‌های اجتماعی آن رفت و با خنثی‌سازی آن زمینه‌ها، امکان وقوع بزهکاری را از بین برد یا دست کم کاهش داد. مقابله کیفری ممکن است در کوتاه‌مدت تأثیر داشته باشد، اما در درازمدت، رفتار مجرمان تغییر شکل داده و در اشکال جدید بزهکاری بروز خواهد کرد. از لحاظ علمی، تکیه بر کیفر و تشدید واکنش‌های کیفری بدون توجه به زمینه‌ها، نوعی مبارزه با معلول است و در عمل نمی‌تواند تأثیر مشهودی داشته باشد» (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۰). بر همین اساس قانون‌گذار در برنامه پنجم توسعه با رویکردی پیشگیرانه، بیشتر به قبل از وقوع جرم و اصلاح قوانین توجه نشان داده و به مواردی چون کاهش مداخله نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمروی حقوق جزا و تضييع حقوق و آزادی‌های عمومی، بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه، ایجاد تناسب بین جرم و مجازات و شخصیت مجرم، توسعه فضای مکانی کانون‌های اصلاح و تربیت و الکترونیکی کردن اسناد پرونده‌های قضایی تأکید ورزیده است. در این جستار از میان سیاست‌های پیشگیرانه قانون‌گذار در برنامه پنجم، به تدابیر پیشگیرانه اجتماعی دقیق‌تر می‌نگریم. منظور از پیشگیری اجتماعی ایجاد تغییرهای اصلاح‌گرانه فردی و اجتماعی است که زمینه‌های جلوگیری از ارتکاب جرم را تا حدود زیادی به صورت پایدار و همیشگی فراهم کند (نجفی ابرندآبادی، ۸۲-۱۳۸۱: ۸۵).

جلوگیری از ارتکاب جرم لزوماً مستلزم تشدید مجازات و تنوع و افزایش پاسخ‌های سرکوبگرانه نیست. ریشه‌های بزهکاری را در بطن اجتماع یا ساختار زیستی و روانی افراد باید جست (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۶). از این رو نگاه قانون‌گذار را به مقوله پیشگیری جامعه‌مدار در قانون برنامه پنجم، ذیل دو موضوع فرهنگی و اقتصادی بررسی می‌کنیم و بر این باوریم که هر قدر بی‌توجهی به وضعیت فرهنگی جامعه بیشتر شود، زمینه‌های ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، شاید بتوان ارتکاب بسیاری از جرایم را ناشی از شرایط بد اقتصادی و سوداگری برای کسب مال دانست. نگاهی گذرا به قانون برنامه پنجم نشان می‌دهد که قانون‌گذار نیز اهمیت این موضوع را دریافته است و بیشترین مواد برنامه، حول این دو موضوع می‌چرخد. بر همین اساس مهم‌ترین جلوه‌های این نوع از پیشگیری را که در این قانون انعکاس یافته است، بررسی خواهیم کرد.

۱. پیشگیری جامعه‌مدار در امور فرهنگی

در مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های نقش‌آفرینان اجتماعی (دولت، اجتماع، طبقه) عنصر فرهنگ جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که «ساختار فرهنگی در هر جامعه، نخست در فرایند تعیین گزینه‌هایی که قدرت‌ها در عرصه اقتصادی و اجتماعی برمی‌گیرند، تأثیر می‌گذارد. همچنان که از سوی دیگر در چگونگی کاربست قدرت از سوی افراد و مجموعه‌ها یا همه جامعه تأثیر می‌نهد. از همین رو، اشکال و ادوار فرهنگ و همچنین قدرت آن در فرایند نهادن راه‌حل‌های مناسب با مسائلی که زاده تکامل تاریخی است، به شدت با اختیار جامعه گره می‌خورد (یعنی با اهداف سیاست اقتصادی و اجتماعی)»^۱. در قانون برنامه پنجم توسعه توجهی خاص به فرهنگ و به طور دقیق‌تر فرهنگ اسلامی - ایرانی و گسترش آن در جامعه شده، به طوری که در فصل اول این برنامه به طور خاص و در سایر فصول به فراخور موضوع راهکارهایی در این باره اندیشیده شده و پنج سال آینده نظام جمهوری اسلامی با اولویت قرار گرفتن فرهنگ و ارائه

۱. نگرش به ارزش‌ها و باورها و فرهنگ مبتنی بر هویت اسلامی و ترویج سیره و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) و تعمیق آن در جامعه در ماده ۱۲ این مجموعه، و راهکارهایی جهت نیل به آن در بند «الف» و «ب» ماده مذکور مورد اشاره قرار گرفته است.

الگوی جدید اسلامی - ایرانی توسعه، ترسیم گردیده است.

این برنامه با کاربرد عبارتی چون «الگوی اسلامی - ایرانی توسعه» و تأکید بر آن از فرایندی نو خبر می‌دهد که به ظاهر با گام‌های توسعه‌ای قبل متفاوت است. از سوی دیگر چه بسا قرار گرفتن فصل فرهنگ اسلامی - ایرانی در ابتدای برنامه نشان از عزم دولتمردان در اولویت دادن به فرهنگ در بحث توسعه باشد. این امر وظیفه متولیان و دست‌اندرکاران فرهنگ را سنگین‌تر می‌کند. نکته شایان توجه درباره ماده یک برنامه پنجم، قرار گرفتن آن در فصل فرهنگ است؛ چرا که نتایج آن باید تمامی بخش‌های برنامه توسعه را شامل گردد. از سوی دیگر مفهوم بسیار وسیعی از الگو می‌توان برداشت نمود و در این حکم نمی‌توان به تصویری روشن از آن دست یافت. ضمناً تدوین الگوی توسعه اسلامی - ایرانی، تلاشی نظری در کشور است و قانون‌گذار در کنار قوه مجریه برای مشارکت سایر قوا در تدوین این الگو از عبارت «با همکاری سایر قوا» استفاده کرده است. اجرا و تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نیازمند ضمانت و الزام قانونی است. تهیه و تصویب این الگو در دولت نمی‌تواند تمامی سطوح حاکمیت را در بر گیرد. دبیرخانه موضوع تبصره این ماده، وظیفه برقراری این تناسب را در میان قوا به عهده دارد.

نکته دیگر درباره ماده یک برنامه این است که توجه قانون‌گذار به الگوی توسعه تا آنجاست که آن را منشأ و مبنایی برای سایر برنامه‌ها تلقی نموده است. عین عبارت ماده یک این قانون در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغ شده از سوی رهبری به رئیس جمهور دیده می‌شود. اما باید دید راهکارهای عملی برنامه پنجم جهت ارتقای سطح فرهنگ جامعه چیست. در تبصره ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم آمده است:

کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی ضابط قوه قضاییه می‌باشند مکلفند با درخواست قوه قضاییه نسبت به اجرای آموزش‌های تخصصی مربوطه زیر نظر قوه قضاییه اقدام نمایند.

ضمناً در بند «د» این ماده برای اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری و نیز پیشگیری از وقوع جرایم و کاهش دعاوی حقوقی و در نهایت گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، راهکارهایی ارائه شده که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲. آموزش همگانی صدا و سیما طبق برنامه مصوب قوه قضایی

تجربه چند سال اخیر در خصوص نقش رسانه در اصلاح رفتار عمومی افراد جامعه، باعث شده است تا قانون گذار با نگرشی خاص بر این مقوله تأکید نماید. برای نمونه، پخش پیام‌های صوتی و تصویری نیروی انتظامی در خصوص تخلفات راهنمایی و رانندگی کارایی رسانه صدا و سیما را در اصلاح و ارتقای فرهنگ راهوری اجتماع نشان داده است. از این رو قانون گذار در قسمت ۱ از بند «د» ماده ۲۱۱ برنامه پنجم مقرر کرده است: «آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضاییه از طریق صدا و سیما». در ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم جهت مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و جرایم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای به ساماندهی فضای رسانه‌ای کشور که یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگ‌ساز به شمار می‌رود، توجه شده است. بر همین اساس، در ادامه ابتدا زمینه‌ها و ابزار فرهنگ‌ساز در افزایش جرایم در افراد جامعه به خصوص نوجوانان بیان می‌شود و سپس به راهکارهای پیشگیری ممکن پرداخته خواهد شد.

یکی از مواردی که می‌تواند در افزایش احتمال گرایش کودکان به برخی جرایم مرتبط با مسائل جنسی و منافی عفت مؤثر باشد، استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و بی‌توجهی به بهداشت روانی کودکان در این باره است. افرادی که در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، هیچ محدودیتی برای خود و سایر اعضای خانواده به ویژه کودکان قائل نیستند، نتایج و عواقبی از قبیل بلوغ زودرس، آسیب رساندن به بهداشت روانی و گرایش به سمت بزهکاری را برای کودکان خود رقم می‌زنند. «در این نکته کمتر می‌توان تردید ورزید که فیلم‌هایی که همواره بر جنبه تلایبی زندگی، توجه شدید به ثروت، لباس‌های فاخر و موضوعات عشقی و جنسی تکیه می‌کنند، ناچار و به طور اجتناب‌ناپذیر در همسازی و حیات اجتماعی کودکان تازه‌جوان، نفوذی بی‌قرار و انگیزنده دارند» (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۱۱۵۰/۲). به همین دلیل در بند «ب» ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم، دولت موظف شده است جهت جلوگیری از تهاجم فرهنگی و مقابله با آن و نیز جرایم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای غرب از طریق گیرنده‌های ماهواره‌ای اقدامات لازم را در ارتقای آگاهی، دانش و مهارت همگانی انجام دهد.

ابزار دیگر اینترنت است. امروز اینترنت محدود و منحصر به افراد پژوهشگر و ادارات و سازمان‌ها نیست، بلکه بسیاری از خانواده‌ها حتی در روستاهای دورافتاده نیز در فضای مجازی اینترنت با دورترین نقاط جهان در ارتباطند. اینترنت فوایدی بسیار برای بشر به ارمغان آورده است، ولی استفاده مدیریت‌نشده آن و وجود وبگاه‌های غیر اخلاقی و هرزه‌نگاری در آن، می‌تواند زمینه‌ساز بروز نابهنجاری و انحراف از مسیر جامعه‌پذیری صحیح باشد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۱). لذا بی‌جهت نیست که بند «الف» ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم به تدوین نظام جامع رسانه‌ای اشاره کرده است. انتظار می‌رود در این نظام‌نامه که تا انتهای سال اول اجرای قانون برنامه پنجم باید به تصویب برسد، با بهره‌گیری از حکم بند «ب» همین ماده، جهت ارتقای آگاهی و دانش همگانی در خصوص جلوگیری از دسترسی به وبگاه‌های غیر اخلاقی به ویژه برای نوجوانان و جوانان تلاش شود. لازم به ذکر است که صرف فیلترگذاری بر این گونه وبگاه‌ها، روش درست و منطقی مقابله با خطرات این نوع از تهاجم فرهنگی نیست و نخواهد بود. از سوی دیگر امروز سرعت گسترش فناوری‌های جدید بسیار زیاد و تصورنشدنی است. در مقایسه‌ای گذرا بین بازه زمانی ده‌ساله در ایران، می‌توان ضریب گسترش این فناوری‌ها را دید؛ مثلاً در سال ۱۳۸۴ استفاده مردم از تلفن همراه، رایانه و اینترنت به مراتب بسیار کمتر از سال ۱۳۹۰ بود. طبق آمار ارائه شده در وبگاه شرکت مخابرات ایران ضریب نفوذ تلفن همراه در سال ۱۳۸۴، ۱۲/۴۳ درصد بوده در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۶۳ درصد و تعداد کاربران اینترنت از ۸/۸۰۰/۰۰۰ نفر به ۲۸/۵۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است. متأسفانه بسیاری از این فناوری‌ها ابتدا در کشور فراگیر می‌شود و پس از آن، نظام رسمی حاکم در فکر فرهنگ‌سازی و کاهش آسیب‌های اجتماعی آن می‌افتد. بهترین مثال در چند سال اخیر تلفن‌های همراه است که بیشترین نفوذ را در بین اقشار مختلف جامعه ایرانی داشته است، امروز گوشی‌های همراه حجم قابل ملاحظه‌ای از صوت و تصویر را به آسانی و بدون هزینه در اختیار همگان قرار داده و به ریزومیک شدن جرم کمک فراوان کرده است. با توجه به مطالب بیان شده، در راستای ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم برای جلوگیری از تأثیر عوامل خطرناک در کودکان راهکارهای زیر را

می‌توان پیشنهاد کرد: سیاست‌گذاران جنایی کشور باید با واقع‌بینی بیشتر در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای با تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی، استفاده صحیح و مدیریت شده از ماهواره را به والدین و اولیای مدارس بیاموزند و فرهنگ استفاده از این وسیله را در جامعه همگانی کنند؛ زیرا هرگونه غفلت یا اشتباه در اتخاذ سیاست‌های درست و مؤثر در این عرصه، منجر به بروز برخی انحرافات در جامعه‌پذیری و سازگاری نسل‌های آینده و ایجاد مشکلاتی جبران‌ناپذیر خواهد شد. آموزش به والدین در خصوص کنترل استفاده کودکان از اینترنت و آگاهی دادن به خانواده‌ها نسبت به عواقب و آثار نامطلوب استفاده‌های نابجا از آن، از راهکارهای پیشنهادی در این باره است. خنثی‌سازی شیوه‌ها و راه‌های دسترسی کودکان به لوح‌های فشرده غیر مجاز می‌تواند از موارد جلوگیری از تأثیرگذاری عوامل خطر ساز نسبت به کودکان باشد. در این خصوص با توجه به عملیاتی بودن موضوع، نظارت مستمر و فعال پلیس بر مراکز پرخطر و آلوده ضروری است.

۳. پیش‌بینی مواد درسی آموزش حقوق شهروندی

در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، مقوله فرهنگ و تأثیر آن بر پیشگیری از وقوع جرایم مشهود است و در بخش نخست آن به این موضوع پرداخته شده است. در بند ۸ این سیاست‌ها آمده است:

تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه دانش و مهارت و تربیت، و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.

بر اساس این بند بنیان‌های سازگاری و ناسازگاری افراد با ارزش‌های اجتماعی را باید نخست در چگونگی پرورش فرد در محیط خانواده و سپس در چگونگی پرورش وی در محیط تحصیلی جست. مدرسه پس از محیط خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه‌پذیری افراد به شمار می‌رود و کارکردهای آن را دومین گام در پیشگیری پایه‌ای در جامعه باید دانست. افراد در مدرسه با هنجارها و بایدها و نبایدهای جامعه آشنا می‌شوند و چگونگی تعامل با سایر بخش‌ها و اعضای جامعه را می‌آموزند و

همزیستی مسالمت آمیز با دیگران و احترام به حقوق آنها را فرامی گیرند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۴). در این صورت با ایجاد روحیه‌ای قانونمند از بزهکاری و پیامدهای آن آگاه می‌شوند و راه‌های جلوگیری از ارتکاب جرم را درمی‌یابند.^۱

تربیت شهروندان یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، سیاسی و فناوری دوران معاصر، یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید. در مقام بررسی نظام آموزشی کشور ایران می‌توان گفت که آموزش در ایران بیشتر معلم‌محور است و دانش آموز بیشتر نقش انبار اطلاعات را دارد. در سال‌های اخیر سازمان آموزش و پرورش ایران در پی آن بوده تا تغییراتی اساسی در شیوه آموزش کودکان به وجود آورد ولی این تغییرات بیشتر کمی بوده و کمتر به کیفیت آموزش توجه شده است (شعبانی، ۱۳۷۱: ۸۷). شاید بتوان گفت که ارتکاب بسیاری از جرایم ناشی از آموزه‌های دوران کودکی است. فردی که از ابتدا شاهد بی‌قانونی در محیط خانواده و بی‌احترامی پدر و مادر نسبت به یکدیگر و بی‌عدالتی بین دانش‌آموزان - مثلاً فقیر و غنی - در محیط مدرسه بوده و حقوق اولیه اجتماعی وی رعایت نشده است، طبیعی است که در آینده به حقوق دیگران احترام نگذارد و از هر فرصتی برای مقابله با جامعه استفاده کند. بارها دیده شده است که مجرمان علت بزهکاری خود را در دوران کودکی و نوجوانی خویش می‌جویند (زینالی، ۱۳۸۸: ۵۷). به هر رو ذکر این ماده قانونی در برنامه پنجم، گامی نخست در آموزش به این سرمایه‌های آینده کشور است. البته انتظار می‌رفت دوره ابتدایی نیز به دوره‌های راهنمایی و متوسطه اضافه شود. همچنین بایسته است که در دوره ابتدایی با توجه به شکل‌گیری پایه‌های فکری کودک، مفاهیمی کلی چون عدالت و احترام به قانون، آموزش و در مراحل بعدی، مفاهیم جزئی‌تر و گسترده‌تر تعلیم داده شود.

۱. اهمیت موضوع تا آنجاست که در قانون اساسی ایران در بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام به رایگان بودن آموزش و پرورش به صورت همگانی اشاره شده است. البته رایگان بودن آموزش و پرورش به معنای برخورداری از سطح پایین ملاک‌های لازم در ارتقای دانش‌آموزان نیست بلکه جهت فراهم شدن امکانات تحصیل برای همه افراد اعم از فقیر و غنی است.

۴. اختصاص زمان مناسب برای پخش برنامه‌های حقوقی

تجربه شخصی هر فرد و نیز یافته‌های علمی نشان داده است که هر اقدام و فعالیت انسانی، زمانی خاص در طول روز را می‌طلبد؛ مثلاً بهترین زمان خوابیدن را شب و بهترین زمان یادگیری را صبح گفته‌اند. پخش برنامه‌های صدا و سیما با توجه به محتویات آن، معمولاً تابع زمان‌بندی در طول روز است. البته اهمیت موضوع برنامه، نقش بسیار مهمی را در اختصاص زمان پربازدیدکننده یا پرتماشاجی بازی می‌کند. در این فرمول دو عامل بسیار مهم وجود دارد: اول اینکه مردم معمولاً در زمان‌های خاصی، بیشتر از برنامه‌های صدا و سیما استفاده می‌کنند. دوم اینکه جذابیت محتوایی برنامه نقش بسیار مهمی در جذب بیننده یا شنونده دارد. تبصره ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه چنین می‌گوید:

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است در اجرای اجزای ۱ و ۲ زمان مناسب را برای پخش برنامه‌هایی که در این خصوص توسط قوه قضاییه، دستگاه‌های مربوطه یا آن سازمان تهیه می‌شود، اختصاص دهد.

بنابراین قانون‌گذار برای جلوگیری از بزه‌دیدگی‌های احتمالی ثانویه که ناشی از ناآگاهی بسیاری به مسائل حقوقی است، با تصویب تبصره ماده ۲۱۱ ویژگی‌های آموزش عمومی رسانه‌ای را به صورت زیر بیان کرده است:

علمی بودن برنامه: در تجربیات ناقص سابق، برنامه‌های حقوقی و فیلم‌های سینمایی با محتویات قضایی به دلیل ناآشنایی سازندگان آن با قوانین و رویه محاکم، آموزه‌های غلطی را برای جامعه به همراه داشته‌اند. بایسته است که در تهیه برنامه‌های حقوقی، از نظریات قضات دیوان عالی کشور، استادان به نام دانشگاه و وکلای عالم کانون وکلای دادگستری استفاده شود و حتی هیئتی مرکب از افراد مذکور به طور دائم بر تولید این گونه برنامه‌ها نظارت داشته باشند و ارشادات لازم را بیان کنند؛ چه آنچه به صورت غیر واقع از طریق صدا و سیما برای مردم نهادینه شود، تبعات و انتظارات اشتباهی را ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به سیر معکوس جریان پیشگیری از جرم و ایجاد پرونده‌های مرتبط خواهد شد (ابراهیمی و گودرزی، ۱۳۸۰: ۶۷/۲۵).

بهترین زمان پخش: تبصره ماده ۲۱۱ برنامه پنجم توسعه، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را مکلف کرده است، در اجرای آموزش همگانی حقوق، زمان مناسبی را به پخش برنامه‌هایی که قوه قضاییه و دستگاه‌های مربوطه تهیه می‌کنند، اختصاص دهد. ذکر عبارت «زمان مناسب» در این تبصره و تأکید قانون‌گذار بر آن بیانگر حساسیت آموزش و جذب اقشار بیشتر جهت پیشگیری از وقوع جرم است؛ چرا که پخش برنامه در زمان نامناسب باعث می‌شود اهداف مد نظر در بندهای یک تا سه این ماده تحقق نیابد. بدیهی است مردم در زمان‌هایی خاص، بیشتر به رسانه‌های عمومی که مهم‌ترین آن‌ها صدا و سیماست، مراجعه می‌کنند. بنابراین انتخاب زمان پرمخاطب اهداف آموزشی را بیشتر به مرحله تحقق نزدیک می‌نماید (همان).

جذاب بودن برنامه: برنامه‌های صدا و سیما از نظر تعداد مخاطبان با یکدیگر متفاوتند و با توجه به رده‌های سنی یا موضوع برنامه و یا عوامل دیگر، موفقیت‌های مختلفی در جذب بیننده یا شنونده دارند. چه بسا نحوه تهیه، عوامل پخش و اجرا و حتی دکوراسیون توانسته است موضوعی کم‌طرفدار را به موضوعی پرمخاطب تبدیل نماید. حقیقت امر این است که مطالب و آموزه‌های حقوقی برای غیر حقوق‌دانان و افرادی که درگیر فرایند رسیدگی نشده‌اند، معمولاً اهمیت کمتری دارد و میزان گرایش جهت یادگیری این دسته از افراد اجتماع که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، بسیار کم است. از طرف دیگر، در لسان حقوق‌دانان کلمات و عباراتی هست که فهم آن گاه برای بعضی از حقوق‌آموزان و به طریق اولی عموم مردم دشوار می‌باشد. لذا در وهله نخست باید با استفاده از برنامه‌سازان حرفه‌ای، جذابیت و کشش‌های لازم برای جذب تعداد بیشتری از افراد جامعه فراهم شود، ثانیاً از بیانی ساده برای انتقال مفاهیم حقوقی به مخاطبان استفاده گردد (همان: ۶۸).

۵. حمایت از رویکرد چندنهادی

پدیده جرم نه تنها طرفین آن و سیستم دادگستری را درگیر می‌سازد، بلکه در واقع، بر کل جامعه و اعضای آن تأثیر می‌نهد؛ مثلاً در شهری که قتل رخ می‌دهد، موضوع منحصر به شکایت اولیای دم از قاتل و تقاضای رسیدگی از قوه قضاییه نمی‌شود،

بلکه تبعات آن تمام افراد در محل وقوع یا حتی در سطح کلان، مردم کشور و در مواردی نادر در سطح جهان را شامل می‌شود و تأثیراتی منفی چون احساس ناامنی و ترس را ایجاد می‌کند. از این رو قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۱۲)، در صورتی که به هر دلیل قتل موجب قصاص قاتل نشود ولی باعث ایجاد خوف و ترس در مردم و... گردد، از باب تعزیر، مجازات حبس قائل شده است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۳). به جرئت می‌توان گفت که در جلوگیری از وقوع جرم و اعمال سیاست‌های پیشگیرانه با توجه به ابعاد گسترده و تأثیرات آن بر تمام جامعه، نیاز به همکاری و مشارکت تمام ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی و خصوصی و حتی تمام افراد و اعضای جامعه - احساس می‌شود. لذا قانون‌گذار دستگاه‌های اجرایی را مکلف به همکاری با قوه قضاییه نموده است. در بند «ه» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه آمده است:

به منظور تحقق بند ۳ سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، دستگاه‌های اجرایی از جمله نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی نظیر جمعیت هلال احمر و شهرداری‌ها، مکلفند در چارچوب وظایف خود همکاری لازم را با قوه قضاییه در اجرای برنامه پیشگیری از وقوع جرم معمول دارند.

ذکر دستگاه‌ها و نهادهای مزبور به صورت تمثیلی است و حکم تکلیفی این ماده فقط شامل نیروی انتظامی و بسیج مستضعفین و جمعیت هلال احمر و شهرداری نمی‌شود. بلکه به اعتقاد ما تمامی ارگان‌های دولتی و عمومی و حتی خصوصی را در راستای وظایف خویش شامل می‌شود.

در اینجا از بین دستگاه‌های مرتبط با امر پیشگیری با توجه به اهمیت نیروی انتظامی، به وظایف این ارگان دقت بیشتری می‌کنیم؛ چه ابزار اصلی و ضابط عام دادگستری در مقام پیشگیری عملی از وقوع جرم در جامعه به شمار می‌رود. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به موجب قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ از ادغام شهربانی و ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی به وجود آمده است، به موجب ماده ۳ قانون مذکور وظیفه استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. نیروی

انتظامی از حدود یک دهه پیش، با تشکیل معاونت اجتماعی، توجه خود را به ارتقای جامعه‌محوری معطوف نموده است. بر اساس این راهبرد، نیروهای پلیس به تنهایی نمی‌توانند روند جرم و بی‌نظمی را مهار کنند؛ آن‌ها برای پیشگیری از جرم و حل مشکلات محلی، نیاز به همکاری و کمک گروه‌های اجتماعی و انجمن‌ها دارند. توفیق در اجرای راهبرد جامعه‌محور مستلزم حضور مشهود پلیس در جامعه، اطلاع‌رسانی به مردم، عمل به عنوان الگو و مربی، حمایت از بزه‌دیدگان و کمک به شکل‌گیری و ارتقای مشارکت‌های پیشگیری از جرم است (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

مهم‌ترین وظایف پیشگیرانه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های قانونی و مجاز.

۲. حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه‌بندی‌شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها.

۳. حفاظت از مسئولان و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثنای داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی.

۴. نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور.

۵. تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوطه.

۶. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی

لازم به منظور کاهش جرایم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.

۷. صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی.

۸. سازمان‌دهی، تجهیز، آموزش یگان‌های انتظامی و آماده کردن آنها جهت

اجرای مأموریت‌های محوله.

۹. تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوطه.

۱۰. مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران (همان: ۱۴۶).

با توجه به وظایف کلی نیروی انتظامی و تکلیف قانونی در بند «ه» ماده ۲۱۱

قانون برنامه پنجم توسعه، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های اجرایی

جهت عملیاتی کردن وظیفه قوه قضاییه در پیشگیری از جرم، نیروی انتظامی است.

لذا به همکاری و مساعدت بسیار این دو احساس نیاز می‌شود؛ چرا که با حذف پلیس قضایی و محول شدن اختیارات این نهاد به نیروی انتظامی، عملاً بازوی اجرایی و اعمال قدرت قوه قضاییه، نیروی انتظامی می‌گردد و خود عاملی جهت کند شدن روند رسیدگی و عدم توانایی در کشف جرم به شمار می‌رود؛ زیرا مأموران نیروی انتظامی در بهترین حالت، فارغ التحصیل دانشکده افسری نیروی انتظامی‌اند و بدون داشتن کمترین اطلاعات حقوقی، در بسیاری از پرونده‌ها موجب از بین رفتن دلایل می‌شوند (جهانی، ۱۳۸۵: ۹۴). قانون‌گذار در بند «الف» ماده ۲۱۱ برنامه پنجم، قوه قضاییه را مکلف به ایجاد پلیس قضایی کرده است. سایر دستگاه‌ها و نهادهایی که می‌توانند مشمول این تبصره قرار گیرند عبارتند از:

- ۱- وزارتخانه‌ها: مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و....
- ۲- سازمان‌ها: سازمان بهزیستی، سازمان صدا و سیما، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان‌های پزشکی قانونی و....
- ۳- شوراها: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شورای عالی عشایر و....
- ۴- ستادها: ستاد مبارزه با مواد مخدر، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و....
- ۵- نهادهای غیر دولتی: شهرداری‌ها، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و... (رک: همان).

۶. رونق کسب و کار

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ مقام معظم رهبری طی ابلاغیه‌ای، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به رئیس‌جمهور

وقت کشور اعلام نمود. در بند ۳۴ سیاست‌های کلی برنامه پنجم آمده است: تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد از اهداف قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد.

برخی صاحب‌نظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیب‌های اجتماعی می‌دانند. البته این به مفهوم نگرش تک‌عاملی در تبیین انحرافات نیست. به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت به همراه فقر فرهنگی، زمینه‌ساز انواع رفتارهای نابهنجار است. لذا با توجه به اهمیت شرایط اقتصادی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم با تأکید بر مسائلی چون جبران نابرابری‌های غیر موجه در آمدی از طریق سیاست‌های مالیاتی، اعطای یارانه‌های هدفمند و سازوکارهای بیمه‌ای و تأمین برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی در جهت رشد و توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری شده است. در بند ۴-۳۵ این سیاست‌ها، بر کاهش میزان بیکاری به هفت درصد تأکید شده است. فقر و بیکاری و آشفتگی وضعیت اقتصادی خانواده می‌تواند مهم‌ترین عامل محرک در بسیاری از جرایم باشد. طبق قانون اساسی، تأمین شغل از وظایف دولت است. لذا دولت باید با تهیه شرایط و امکانات اقتصادی برای افراد جامعه شغل فراهم نماید. بسیاری از جرایم خردی که افراد کم‌بضاعت مرتکب می‌شوند، با فراهم شدن شرایط کاری، تحقق نخواهند یافت. دقت به این موضوع از این نظر اهمیت دارد که طبق قوانین حاکم بر دادرسی کشور ما، فرقی در جریان رسیدگی بین جرایم مختلف (به غیر از موارد خاص) وجود ندارد و روند رسیدگی برای سرقت عادی و ناچیز، همان روندی است که برای جرایم اقتصادی چون کلاهبرداری اعمال می‌شود. بنابراین با فراهم شدن شرایط اشتغال برای اکثریت افراد جامعه، انتظار می‌رود آمار ارتکاب بسیاری از جرایم کاهش یابد و با ایجاد تنفس برای دستگاه قضایی، مجالی برای مقابله با جرایم سنگین فراهم گردد.

در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، با تأکید بر مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب و کار، تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی، افزایش نقدینگی صندوق توسعه ملی، حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی کشور،

اصلاح ساختار نظام بانکی، ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی و تبدیل نظام بودجه‌ریزی کشور به بودجه‌ریزی عملیاتی، جریان صحیح و سالم اقتصادی در کشور پی گرفته می‌شود. امید است که نتیجه این سیاست‌ها چیزی جز شفاف‌سازی و امنیت اقتصادی نباشد. با فراهم شدن سازوکار فعالیت درست اقتصادی و سوددهی تلاش اقتصادی، اولاً انگیزه ارتکاب برخی جرایم اقتصادی کاهش می‌یابد؛ ثانیاً حرکت خلاف موج عده‌ای از افراد بلافاصله نمایان می‌شود و از کهنه شدن زخم‌های اقتصادی جلوگیری می‌گردد. به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که بدون فراهم شدن شرایط لازم برای فعالیت قانونی، همه افراد جامعه، قانونگرا و تابع تشریفات آن باشند. همین جاست که بحث پیشگیری از وقوع این گونه جرایم به میان می‌آید و با کاهش علل و اسباب وقوع، جرایم اقتصادی و فساد مالی، چه در ساختار حاکمیت و دولتی و چه در ساختار سرمایه‌های خصوصی، باید کنترل شود.

اساساً تحقق اهداف مذکور در سیاست‌های کلی برنامه پنجم در صورتی امکان‌پذیر و ظهور پیدا می‌کند که حرکت کلی سیاست‌های اقتصادی دولت در جهت ایجاد حس امنیت و اعتماد اقتصادی در افراد جامعه باشد. به عبارت دیگر اتخاذ تصمیمات نادرست و خارج از قاعده و غیر کارشناسی موجب بروز تحولات اغلب منفی در جامعه می‌شود و این التهاب، باعث سلب احساس اعتماد شهروندان فعال در مسائل اقتصادی و حرکت خلاف آنان می‌شود. نتیجه اینکه زمانی شهروندان در انجام فعالیت‌های اقتصادی به قوانین و مقررات احترام می‌نهند و آن را ملاک عمل خود قرار می‌دهند که این قوانین به طور معمول حافظ منافع شخصی و مشروع آن‌ها باشند؛ برای مثال در صورتی که تحولات ناگهانی و زود هنگام و تصمیمات عجولانه مسئولان، اسباب ورشکستگی یا تلف بخشی از سرمایه تاجر یا فعال اقتصادی را فراهم کند نمی‌توان از ایشان حس اعتماد یا احترام به نظام اقتصادی را مطالبه کرد. لذا ضروری است که دولت، با ایجاد رویه‌ای کارشناسی شده با مشارکت فعالان اقتصادی، زمینه حمایت از سرمایه‌های در حال گردش را فراهم سازد و با ایجاد حس اعتماد و احترام متقابل بین دولت و شهروندان در جهت تحقق اهداف مورد نظر در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گام نهاد (خلیلی،

۱۳۸۳: ش ۷۷/۳). دور از انتظار نیست که دولت با نگرشی برابر و یکسان به سرمایه‌ها و فعالان اقتصادی در جامعه، زمینه فعالیت همه را فراهم نماید. وجود ویژگی‌ها و عقاید مختلف در شهروندان، نباید باعث گزینش آنان در روابط اقتصادی و مالی گردد. کشور ما قومیت‌ها و نگرش‌های مذهبی و بومی متنوع و مختلفی دارد و بی‌توجهی به خواسته‌های مشروع هر یک از اعضای خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، باعث از دست رفتن حس اعتماد آنان می‌گردد (نورزاد، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۷۳).

قانون برنامه پنجم توسعه طی سرفصل‌هایی با عناوینی چون بهبود فضای کسب و کار، بهره‌وری، اشتغال، پول و بانک، بازار سرمایه، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، مناطق آزاد، بیمه‌های بازرگانی، اصلاح نظام مالیاتی، توسعه تعاون، نفت و گاز، انرژی‌های پاک، منابع آب، کشاورزی، صنعت و معدن، حمل و نقل و مسکن در فصل پنجم، طی مواد ۶۹ تا ۱۷۷ به مسائل اقتصادی کشور طی پنج سال آینده پرداخته است. هدف کلی و مقصود غایی که از روح قانون مذکور استنباط می‌شود، این است که دولت در اعمال حاکمیت، در پی ایجاد چرخه صحیح و سالم عملیات و فعالیت‌های اقتصادی است تا موجب ارتقای شاخص‌های سرمایه‌ای و اقتصادی کشور شود. توجه به این نکته ضروری است که پیشگیری از جرم، نیازمند هزینه‌ها و آموزش‌های لازم است و نتیجه‌ای به مراتب بهتر نسبت به پاسخ‌های سرکوبگر دارد؛ برای مثال ارتکاب جرم اختلاس توسط یک کارمند بانک، موجب ایجاد نگرش منفی آحاد جامعه به سیستم بانکی آن کشور می‌شود. این تأثیر غیر مستقیم علاوه بر تأثیر مستقیم ارتکاب جرم (از بین رفتن بخشی از بیت المال) تبعات و آثار زیان‌بار بسیار در جامعه دارد و چه بسا باعث تجرّی دیگران گردد. در حالی که با اعمال سیاست پیشگیرانه، چه به صورت اجتماعی یا وضعی در نظام بانکی کشور، می‌توان از ارتکاب آن جلوگیری کرد و مانع تحقق تأثیرات مستقیم یا غیر مستقیم جرم قبل از وقوع گردید.

در سیستم‌های حکومتی چون ایران با توجه به گستردگی فعالیت دولت در اقتصاد و دولتی بودن مالکیت بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و عدم امکان نظارت سیستم‌های بازرسی به تمام بخش‌ها، ارتکاب آمار قابل توجهی از جرایم اقتصادی دور از ذهن نیست. در سال‌های اخیر با احساس نیاز به کوچک

شدن دولت و واگذاری بخش اعظمی از فعالیت‌های اقتصادی به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، حکومت در پی برطرف کردن این نقیصه بوده است. طبق بند دوم و سوم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ که بیانگر گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی؛ و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و نقش حاکمیتی و نظارتی آن است، این موضوع باعث دورنمای دولتی کوچک و چابک در امر نظارت می‌شود و خود موجب کاهش بسیاری از جرایم اقتصادی درون دولتی می‌گردد. در پی سیاست‌های چند سال اخیر، قانون‌گذار در بند «ب» ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم چنین وضع نموده است:

دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل ۹ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی پیش‌بینی نماید.

پیشگیری اجتماعی در ممانعت از تحقق جرایم اقتصادی، نقش بسیار پررنگ‌تر و فراگیرتری از پیشگیری وضعی دارد. از این رو برخی از برجسته‌ترین و مشهورترین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی را به تفصیل بیان می‌کنیم:

۷. حکومت بر اساس عدالت

ویژگی اساسی حکومت عادلانه، قانونمندی و رعایت روح و نص قانون اساسی است. بنابراین نظام‌های مبتنی بر دیکتاتوری نمی‌توانند عدالت داشته باشند؛ زیرا چنین حکومت‌هایی روح قانون اساسی را رعایت نمی‌کنند (نویمان، ۱۳۷۳: ۲۷۲). در مواد متعدد از قانون برنامه پنجم توسعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم- به اصول حاکم بر قانون اساسی اشاره شده است. می‌توان به مواردی چون ماده ۷، بند «ج» از ماده ۱۶، مواد ۶۲، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۴، ۱۲۴ و ۱۴۲ اشاره کرد. به پیروی از ظاهر و باطن اصول قانون اساسی باید پابندی به اسناد و موازین شناخته‌شده بین‌المللی را نیز افزود. نمی‌توان حکومتی را عادل دانست در حالی که اعتقادی به اجرای اسناد و موازین بین‌المللی که

روح مشترک ملت‌هاست، ندارد. ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجم در جایگاه اولین ماده فصل «سیاست خارجی»، وزارت امور خارجه را موظف به انجام اقداماتی به منظور اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت‌های اقتصادی در منطقه و نظام بین‌الملل و بسط گفتمان عدالت‌خواهی در روابط بین‌الملل کرده است. لازمه دستیابی به این اهداف پایبندی به اسناد و موازین بین‌الملل است. در ذیل این ماده، احکامی طی ۸ بند به تصویب رسیده که همگی دولت و وزارت امور خارجه را مکلف به پیروی از اصول بین‌المللی و قراردادهای منطقه‌ای و جهانی کرده است. آزادی اطلاعات یکی دیگر از مؤلفه‌های تحقق عدالت است. آزادی اطلاعات در مفهوم عام، آزادی اطلاع‌رسانی و یا آزادی بیان و آزادی کسب اطلاعات را در بر می‌گیرد. در مفهوم خاص، آزادی اطلاعات به معنای داشتن حق دسترسی به اطلاعات، به ویژه اطلاعات عمومی و اسناد دولتی است (نورزاد، ۱۳۸۹: ۳۴۳). آزادی بیان یا آزادی اطلاع‌رسانی، نقش بسیار مهم و اساسی در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد؛ به نحوی که بخش عمده‌ای از سوءاستفاده‌های مالی و نیز ناهنجاری‌های اقتصادی دولت می‌تواند از طرق رسانه‌ها اعم از مطبوعات و اینترنت ردیابی گردد.

با این حال نقش آزادی بیان یا به سخن دیگر، نقش رسانه‌ها تنها منوط به کشف جرم اقتصادی نیست و بلکه صرف این حق و فعالیت رسانه سبب می‌گردد تا مقام‌ها و نهادها احساس کنند که افرادی با چراغ رسانه بر عمل آنها نور می‌افکنند و همین امر سبب پیشگیری عمومی از جرایم اقتصادی می‌گردد. در برابر آزادی بیان یا آزادی اطلاع‌رسانی، آزادی دسترسی به اطلاعات عمومی دومین نقش برجسته را در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، «آزادی برخی اطلاعات، کلیدی‌ترین روش برای جلوگیری از فساد، کشف فساد و حمایت از تمامیت حکومت است» (برانت، ۱۳۶۵: ۳۴). وضع قوانین آزادی اطلاعات در سال‌های اخیر افزایش یافته است و بیشتر دولت‌ها دریافته‌اند که اسناد و اطلاعاتشان در اصل متعلق به شهروندان است و از این رو سازوکاری اندیشیده‌اند تا این اطلاعات را در اختیار آن‌ها قرار دهند (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۸). مواد متنوع قانون برنامه پنجم، به صراحت آزادی اطلاعات را بیان نموده است اما در ماده ۴۶ این قانون تلاش شده تا با ایجاد شبکه داخلی اطلاعات

(اینترنت) گامی در جهت این هدف برداشته شود. این ماده در بند «الف» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مکلف کرده است تا نسبت به راه‌اندازی و گسترش شبکه ملی اطلاعات و مراکز داده داخلی امن و پایدار با پهنای باند مناسب و با رعایت موازین شرعی و امنیتی کشور اقدام کند و با بهره‌گیری از توان و ظرفیت بخش‌های عمومی غیر دولتی و خصوصی و تعاونی امکان دسترسی پرسرعت را به صورتی فراهم سازد که تا پایان سال دوم، همه دستگاه‌های اجرایی و واحدهای وابسته تا پایان برنامه، ۶۰ درصد خانواده‌ها و تمامی کسب و کارها بتوانند به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت متصل شوند. در فلسفه وضع این مقرر سه اندیشه را می‌توان یافت: اول آنکه دولت با تقویت شبکه‌ای داخلی قصد مقابله با نفوذ عوامل خارجی (هکرها و جاسوسان) را دارد. دوم آنکه وابستگی به شبکه جهانی اینترنت را کاهش دهد و سوم اینکه اعضای جامعه بتوانند سریع و آسان به اطلاعات مورد نیاز در زمینه‌های مختلف دست یابند.

از دیگر نشانه‌های حکومت بر اساس عدالت، پاسخگو بودن دولت (حکومت) در برابر افکار عمومی و خواست شهروندان است و پاسخ‌هایی که می‌دهد باید منطبق بر قوانین باشد (بزدانی زور، ۱۳۸۴: ۴۰). مردم مالکان مشاع در اموال کشور (بیت المال) و پرداخت کنندگان مالیاتند و حق دارند از موارد هزینه کرد این اموال مطلع شوند و در صورت تخلف با متخلفان برخورد قاطع شود. لزوم پاسخ‌گویی قسمت‌های مختلف حکومت شامل قوه قضاییه نیز می‌شود. نتیجه عملی اجرای قسمت ۴ بند «د» از ماده ۲۱۱ برنامه پنجم چیزی جز پاسخ‌گوتر شدن قضات که خود مردان قانونند نیست.^۱

۱. از دیگر ویژگی‌های اجرای عدالت استقلال قوه قضاییه است. وابستگی قوه قضاییه به نهادهای دیگر یا وابستگی رئیس آن یا ضعیف بودن قوه در برابر نهادهای دیگر مانند نهادهای نظامی و سیاسی سبب می‌گردد تا جرایم اقتصادی کلان که حاکمیت یا نظامیان در آن‌ها دست دارند یا پیگیری نشود یا منجر به صدور یا اجرای حکم نگردد. در برابر، استقلال قوه قضاییه و قاطعیت آن سبب می‌گردد تا هر نهاد و شخصی در هر مقامی، در برابر رفتارهای غیر قانونی و خودسرانه‌اش احساس امنیت نکند. تقویت احزاب و گروه‌های سیاسی از جمله ویژگی‌های دیگر جهت جلوگیری از جرایم اقتصادی است. احزاب سیاسی سبب شکل‌گیری روح رقابت و انتقاد می‌گردند و چنین فضایی برای شفاف‌سازی و پیشگیری ضروری است. نبود احزاب سیاسی یا سخت‌گیری بر فعالیت آن‌ها، نه تنها نشان‌دهنده وجود خودکامگی در قدرت سیاسی است بلکه نشان از انحصارطلبی و ناهنجاری اقتصادی نیز دارد. به هر حال دولتی که در تار و پود استبداد است، اقتصاد را برای خود می‌خواهد نه شهروندان و به همین دلیل اقتصاد را بسته می‌خواهد نه باز.

۸. تغییر نگرش دولت و شهروندان

جایگاه بحث در خصوص تغییر نگرش دولت و شهروندان نسبت به هم بیشتر در سیاست‌های کلی برنامه است و ذکر آن در این قسمت به جهت ارتباط موضوعی است. نگرش مبتنی بر احترام و اعتماد میان دولت و شهروندان از جمله راه‌های پیشگیری از جرایم اقتصادی است؛ زیرا تا زمانی که دولت به اتباع خود اعتماد نداشته باشد یا اینکه شهروندان نخواهند به مقررات مالی و اقتصادی تن دهند، زمینه ارتکاب جرایم اقتصادی و فساد از سوی هر دو فراهم می‌گردد (صانعی، ۱۳۸۱: ۲۹). تغییر نگرش شهروندان نسبت به دولت تنها منوط به اجرای قوانین و مقررات نیست، بلکه تأمین انتظارات مشروع نیز باید در ردیف قانون و مقررات قرار گیرد. انتظارات مشروع، شامل توقعات شهروندان از دولت است که خود دولت سبب آن بوده است. در واقع دولت با وعده دادن یا پیش‌بینی دورنمای تصمیمات خود، برنامه یا سیاست توقعی همچون حق مکتسب به وجود می‌آورد و شهروندان انتظار دارند که دولت در سر موعد به آن عمل کند. در روابط اقتصادی و مالی، دولت باید به طور یکسان به شهروندان بنگرد. جایگاه و اعتقادات و تعصبات مذهبی، قومی و مانند این‌ها نباید سبب ترجیح شود. البته برخی ادعا کرده‌اند که «اخذ سوابق کیفری، اجتماعی و خانوادگی از اهمیت به سزایی برخوردار است. افرادی که در خانواده‌های پاک و درستکار رشد نموده‌اند به مراتب کمتر درگیر فساد خواهند شد. همچنین با تحقیق از محل زندگی و حرفه پیشین شخص و نحوه عملکرد و رفتار وی، انضباط کاری و... می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت» (میرزایی، ۱۳۸۷: ۳۲). در حالی که اساساً تفکیک شهروندان به خوب و بد و مذهبی و غیر مذهبی سبب شیوع جرایم اقتصادی می‌گردد تا پیشگیری از آن؛ زیرا نسبت به برخی از افراد اعتماد مطلق و نسبت به برخی دیگر بی‌اعتمادی مطلق روا داشته می‌شود و هر دو حالت زمینه‌ساز ارتکاب جرم اقتصادی می‌گردد. وجود نگرش مثبت میان مردم و دولت سبب افزایش مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی است. این نشان می‌دهد که دولت به تنهایی نمی‌تواند دست به پیشگیری از جرایم اقتصادی بزند و بلکه در این میان مردم و به ویژه نهادهای عمومی و غیر دولتی نیز بسیار تأثیر گذارند.

۹. حذف زمینه‌های جرم‌زا در خصوصی سازی

خصوصی سازی به معنای مشارکت نهاد غیر دولتی در امر اقتصاد به جای دولت یا نهادهای عمومی است. هر چند در دولت‌هایی که بخش عمده اقتصاد را در دست گرفته‌اند، بخش خصوصی نیز فعالیت دارد، منظور از خصوصی سازی، انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی با کنترل و نظارت بخش دولتی است. این امر نه تنها سبب رقابت، شکوفایی نظام اقتصادی، انحصار شکنی و جلوگیری از ویژه خواری می‌گردد، بلکه با نظارت دولت راه‌های فساد نیز تا اندازه‌ای زیاد محدود می‌گردد. این در حالی است که در صورت دولتی بودن، عملاً ناظری بر کردار اقتصادی دولت وجود ندارد و دولت نیز به دلیل بی‌رقیب بودن و انحصار طلبی نخواهد توانست از دام جرایم اقتصادی فرار کند و چه بسا بخش‌هایی از دولت، خود به مجرم اقتصادی (به لحاظ مفهوم واقعی و نه اعتباری و ثانوی) تبدیل گردد.

نتیجه گیری

سیاست جنایی هر کشوری از مجموعه اقدامات کیفری و غیر کیفری که جامعه در قبال پدیده جرم صورت می‌دهد تشکیل می‌شود. معمولاً تلاش شده است این اقدامات در قوانین عام و کلی بیان شوند تا الگویی در برابر تمامی ارکان دولت باشند و نهادهای رسمی و غیر رسمی جامعه برنامه‌های خود را با توجه به آن‌ها تنظیم نمایند. در کشور ما قوانین برنامه توسعه که منبعث از سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی توسط رهبر معظم می‌باشد، در مقام بیان اهداف و چشم‌اندازهای پیش روی جامعه در بحث جرم و مجازات نیز سیاست‌های جنایی خود را ارائه می‌دهد که تلاش می‌شود تا پایان زمان اجرای آن برنامه به این اهداف دست یابیم. هدف از اجرای سیاست جنایی کاهش میزان ارتکاب جرایم چه از طریق کیفر و چه از طریق پیشگیری است.

با توجه به اهمیت بحث پیشگیری و احساس ایجاد گرایش قانون گذار به این مقوله و نگاه گذرا به قانون برنامه پنجم توسعه، می‌توان گفت که در این قانون جهت گیری حکومت بیش از سابق به سوی خلق سازوکارهای اقتصادی و فرهنگی

مختلف برای حرکت جامعه به سوی عدم ارتکاب جرم می‌باشد. ما بر این باوریم که پیشگیری، امری دارای طبقات و انواع مختلف است که ارگان‌های مختلف عمومی، خصوصی و مردمی باید آن را اجرا کنند. نیز تأثیرگذاری انواع مختلف پیشگیری یکسان نیست. با توجه به برنامه پنجه توسعه، برخی از انواع پیشگیری زمینه و علل وقوع جرم را از بین می‌برد و برخی دیگر فرصت و امکان آن را کاهش یا دشوار می‌سازد. سیاست‌گذاران جنایی کشورمان معمولاً در عموم جرایم، توجه خود را بیشتر معطوف به علاج و درمان نموده‌اند تا پیشگیری، اما در قانون برنامه پنجم شاهد تغییر نگرش مقنن به سمت اقدامات پیشگیرانه هستیم.

در اعمال سیاست‌های پیشگیرانه در جامعه ابتدا باید هدف اصلی و مهم کشف شود و برای نیل به آن سیاست‌گذاری گردد. مهم‌ترین انتظار اعضای جامعه از نظام حاکمیت در گام اول، ایجاد امنیت همه‌جانبه است. لذا هدف اصلی پیشگیری، حمایت از امنیت افراد جامعه است. مقنن در برنامه پنجم، اقدامات پیشگیرانه خود را در فصل هشتم صرفاً با بیانی کلی و تک‌عبارتی چون استانداردهای ضمانت اجراها و... بیان کرده است.

پیشگیری را از جهات مختلف و با توجه به ماهیت جرایم و خصوصیات مرتکب به دسته‌هایی مختلف تقسیم می‌کنند که نسبت به جرایم مانع توسعه، شاید تقسیم‌بندی به پیشگیری اجتماعی و وضعی منطبق‌تر و مناسب‌تر باشد. پاسخ‌های پیشگیرانه اجتماعی را می‌توان در دو دسته اقدامات پیشگیرانه فردمدار (رشدمدار) و اقدامات پیشگیرانه جامعه‌مدار بررسی کرد. در اقدامات پیشگیرانه فردمدار، افراد به طور خاص مد نظرند. یکی از جایگاه‌های اعمال پیشگیری رشدمدار «آموزش و پرورش» در معنای گسترده آن است. اهمیت ارتقای آموزش هم در سیاست‌های کلی برنامه پنجم و هم در خود برنامه تأکید شده است. برنامه پنجم علاوه بر آموزش و پرورش، بر نقش خانواده در تربیت کودکان و ارائه راهکارهای تقویت جایگاه آنان در جلوگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری تأکید کرده است.

جامعه را اعتقادات مردم با حدی از توان مالی در کنار هم می‌سازد. لذا هر چه به وضعیت فرهنگی جامعه بیشتر بی‌توجهی شود، زمینه‌های ارتکاب جرم افزایش

می‌یابد. از طرف دیگر، شاید بتوان ارتکاب نه تمامی عناوین مجرمانه بلکه بسیاری از آن‌ها را به شرایط بد اقتصادی و سوداگری برای کسب مال نسبت داد. نگاهی گذرا به قانون برنامه پنجم نشان می‌دهد که مقنن نیز اهمیت این موضوع را احساس کرده است، به طوری که بیشترین مواد برنامه، حول این دو عنوان می‌چرخد. برنامه پنجم توسعه، پنج سال آینده نظام را با اولویت قرار دادن فرهنگ و طرح الگوی جدید اسلامی ایرانی توسعه، ترسیم کرده است. راهکارهای عملی در برنامه پنجم جهت ارتقای سطح فرهنگ جامعه عبارتند از: ۱- آموزش همگانی از طریق صدا و سیما؛ ۲- آموزش همگانی حقوق شهروندی از طریق صدا و سیما؛ ۳- پیش‌بینی مواد درسی برای آموزش حقوق شهروندی؛ ۴- اختصاص زمان مناسب برای پخش برنامه‌هایی حقوقی؛ ۵- همکاری سایر ارگان‌ها در اجرای برنامه‌های پیشگیری. برنامه پنجم توسعه، با اتخاذ سیاست‌های کلی و تأکید بر مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب و کار، تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی، افزایش نقدینگی صندوق توسعه ملی، حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، اصلاح ساختار نظام بانکی، ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی و تبدیل نظام بودجه‌ریزی کشور به بودجه‌ریزی عملیاتی، به دنبال ایجاد جریان صحیح و سالم اقتصادی در کشور است. امید است که نتیجه این سیاست‌ها شفاف‌سازی و امنیت اقتصادی باشد. در سیستم‌های حکومتی چون ایران با توجه به گستردگی فعالیت دولت در اقتصاد و دولتی بودن مالکیت بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و عدم امکان نظارت سیستم‌های بازرسی بر تمام بخش‌ها، ارتکاب شمار قابل توجهی از جرایم اقتصادی دور از ذهن نیست. از این رو برجسته‌ترین و مشهورترین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی در کشور، حکومت بر اساس عدالت، تغییر نگرش دولت و شهروندان با ایجاد احترام و اعتماد دوجانبه و اجرای سیاست خصوصی‌سازی در کشور است. وجود نگرش مثبت میان مردم و دولت سبب افزایش مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌گردد. این نشان می‌دهد که دولت به تنهایی نمی‌تواند دست به پیشگیری از جرایم اقتصادی بزند و مردم و به ویژه نهادهای عمومی و غیر دولتی نیز بسیار تأثیرگذارند.

کتاب‌شناسی

۱. آقای‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران، میزان، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابراهیمی، شهرام، و فرامرز گودرزی، «خشونت و تلویزیون»، مجله پزشکی قانونی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۰ ش.
۳. امیدی، جلیل، «ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه»، در: نجفی ابرندآبادی، مجموعه مقاله‌های تازه‌های جنایی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۴. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستری، ۱۳۸۷ ش.
۵. ایرانشاهی، حمید، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، جاودانه جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۶. برانت، ویلی، جهان مسلح، جهان گرسنه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۷. جهانی، حسین، پلیس قضایی و نقش آن در دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. خلیلی، محسن، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: بررسی انتقادی»، مجله حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۹. زینالی، امیر حمزه، ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، تهران، نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات و ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. کی‌نیا، مهدی، جامعه‌شناسی جنایی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. میرزایی، مریم، بررسی تطبیقی پیشگیری از جرایم اقتصادی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، تدوین محمد سیدزاده، مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم ۸۲-۱۳۸۱ ش.
۱۶. نقیب‌زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران، جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. نویمان، فرانتس، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. یزدانی زنور، هرمز، بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، مهر ۱۳۸۴ ش.